گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۵۳۶۵۰۲
پنج شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۵ ۶:۲۴

از سدهای ایران تا اهداف نظامی؛ بازی خطرناک با امنیت آب مردم؟

گزارش نیویورک‌تایمز درباره احتمال ارتباط سدها و پروژه‌های انتقال آب ایران با تأسیسات موشکی، زیرساخت‌های حیاتی کشور را وارد مناقشه‌ای تازه کرده است؛ ادعایی که اگرچه بر هم‌پوشانی‌های جغرافیایی و دیدگاه برخی کارشناسان تکیه دارد، اما هنوز ارتباط مستقیم میان این پروژه‌ها و تأسیسات نظامی را اثبات نمی‌کند.<;br&#۴۷>

پایگاه اطلاع رسانی دریا و نفت: روزنامه نیویورک‌تایمز در گزارشی که ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶، برابر با ۲۵ آبان ۱۴۰۵، منتشر کرد، این فرضیه را مطرح کرده است که بخشی از شبکه گسترده سدها و پروژه‌های انتقال آب ایران ممکن است، علاوه بر کارکردهای غیرنظامی، برای پشتیبانی از تأسیسات نظامی زیرزمینی نیز طراحی شده باشند. این گزارش با استناد به دیدگاه کارشناسان حوزه آب و مسائل نظامی، مدعی است برخی پروژه‌هایی که توجیه غیرنظامی روشنی برای آنها دیده نمی‌شود، ممکن است در تأمین آب و انرژی مجموعه‌های زیرزمینی موشکی نقش داشته باشند. اما نکته تعیین‌کننده در خود گزارش نیز وجود دارد: نویسندگان تصریح می‌کنند که به دلیل محرمانه بودن برنامه موشکی ایران، هرگونه ارتباط میان برنامه چند دهه‌ای توسعه زیرساخت‌های آبی و تأسیسات نظامی همچنان در حد گمانه‌زنی است؛ هرچند برخی کارشناسان شواهد مطرح‌شده را قابل توجه می‌دانند. همین فاصله میان یک فرضیه و اثبات آن، نقطه آغاز بررسی انتقادی این گزارش است.

۵۳۳ سد و یک فرضیه؛ هم‌پوشانی جغرافیایی چه چیزی را ثابت می‌کند؟

در گزارش نیویورک‌تایمز به پژوهش نیما شکری، متخصص امنیت آب در دانشگاه فناوری هامبورگ آلمان، اشاره شده است. بر اساس این گزارش، گروه پژوهشی او طی سال‌های گذشته دست‌کم ۵۳۳ سد را در ایران شناسایی و موقعیت جغرافیایی آنها را بررسی کرده است. شکری در جریان بررسی اخبار و نقشه‌های مربوط به حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به مناطقی که گفته می‌شود محل استقرار تأسیسات موشکی ایران بوده‌اند، متوجه شباهت‌هایی میان پراکندگی این مناطق و نقشه سدهای کشور شده است. این مشاهده، پرسشی را در ذهن او ایجاد کرده است: چرا در برخی مناطق دارای سد، نقاط هدف قرارگرفته در حملات نظامی نیز دیده می‌شوند؟

نیویورک‌تایمز برای بررسی این فرضیه با هفت کارشناس حوزه آب و مسائل نظامی گفت‌وگو کرده است. برخی از آنها معتقدند استقرار تأسیسات نظامی گسترده در نزدیکی منابع پایدار آب و برق می‌تواند به حفظ فعالیت این مجموعه‌ها در شرایط آسیب دیدن شبکه عمومی زیرساختی کمک کند.

دنی سیترینوویچ، تحلیلگر پیشین اطلاعات نظامی اسرائیل، از این وضعیت با عنوان «تداوم عملیاتی» یاد کرده و احتمال داده است ایران برای تأمین مستقل یا پشتیبان نیازهای تأسیسات موشکی خود، از برخی زیرساخت‌ها استفاده کرده باشد. با این حال، باید میان امکان فنی و اثبات واقعیت تفاوت قائل شد. اینکه یک سد بتواند در شرایطی آب یا انرژی مورد نیاز یک مجموعه را تأمین کند، به معنای آن نیست که با هدف پشتیبانی از آن مجموعه ساخته شده است. همچنین نزدیکی دو نقطه روی نقشه، به‌تنهایی ارتباط عملیاتی میان آنها را ثابت نمی‌کند. برای اثبات چنین ادعایی باید اسناد طراحی و اجرای پروژه‌ها، مسیرهای انتقال آب و برق، ظرفیت‌های اختصاص‌یافته، قراردادهای مرتبط و شواهد مستقل فنی بررسی شوند. بدون این اطلاعات، نتیجه‌گیری درباره هدف نظامی یک پروژه عمرانی همچنان در محدوده فرضیه باقی می‌ماند.

پروژه انتقال آب زاگرس به یزد؛ نمونه‌ای که نیازمند بررسی مستقل است

یکی از پروژه‌هایی که در گزارش نیویورک‌تایمز مورد توجه قرار گرفته، طرح انتقال آب از رشته‌کوه زاگرس به استان یزد است. بر اساس گزارش این روزنامه، امیر آقاقوچک، متخصص منابع آب در دانشگاه کالیفرنیا، ارواین، با اشاره به حملات هوایی ماه مارس و انتشار گزارش‌هایی درباره وجود یک تأسیسات موشکی بزرگ در آن منطقه، این احتمال را مطرح کرده است که ملاحظات نظامی دست‌کم تا حدی بر اجرای این پروژه تأثیر گذاشته باشد. اما این اظهارنظر نیز یک ارزیابی کارشناسی است، نه سند قطعی درباره هدف اصلی پروژه. طرح‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای در ایران سال‌هاست با انتقادهای جدی روبه‌رو هستند. پیامدهای زیست‌محیطی، کاهش حقابه مناطق مبدأ، هزینه‌های اقتصادی، آثار اجتماعی و پایداری منابع آب از جمله موضوعاتی هستند که باید در ارزیابی چنین پروژه‌هایی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین، بررسی مستقل پروژه انتقال آب زاگرس به یزد و انتشار اسناد فنی و اقتصادی آن کاملاً ضروری است؛ اما نسبت دادن هدف نظامی به این پروژه، بدون ارائه مدارک روشن، نمی‌تواند جایگزین یک ارزیابی کارشناسی شود.

واقعیت سدسازی ایران؛ نقد مدیریت آب نباید به اتهام نظامی تبدیل شود

نمی‌توان مشکلات ساختاری مدیریت منابع آب در ایران را نادیده گرفت. طی دهه‌های گذشته، برخی پروژه‌های سدسازی و انتقال آب با انتقادهای جدی کارشناسان محیط‌زیست و منابع آب مواجه بوده‌اند. در مواردی، درباره ضرورت اقتصادی پروژه‌ها، کیفیت مطالعات زیست‌محیطی، پیامدهای انتقال بین‌حوضه‌ای آب، آثار اجتماعی و میزان پایداری منابع آبی پرسش‌های جدی مطرح شده است. ایران کشوری با اقلیم عمدتاً خشک و نیمه‌خشک است. تأمین آب شرب، کشاورزی، تولید برق و کنترل سیلاب از جمله نیازهایی است که در برنامه‌ریزی منابع آب کشور اهمیت دارد. سدها و شبکه‌های انتقال آب نیز در بسیاری از مناطق با همین اهداف ساخته شده‌اند؛ هرچند ممکن است برخی طرح‌ها از نظر مکان‌یابی، طراحی یا توجیه اقتصادی با

اشکالات جدی روبه‌رو باشند. در همین زمینه، نیما شکری نیز در گزارش نیویورک‌تایمز هشدار داده است که نقش احتمالی نظامی برخی پروژه‌ها نباید کارکردهای ضروری سدها برای مردم، از جمله تأمین آب شرب، آبیاری و تولید برق را تحت‌الشعاع قرار دهد.
این نکته اهمیت زیادی دارد؛ زیرا حتی اگر درباره عملکرد یا ضرورت یک پروژه عمرانی انتقادهایی وجود داشته باشد، نمی‌توان آن را به‌عنوان مدرک اثبات یک هدف نظامی معرفی کرد.

دو موضوع باید از یکدیگر تفکیک شوند:

نقد سیاست‌های سدسازی و انتقال آب بر اساس اسناد فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی؛
ادعای استفاده نظامی از زیرساخت‌های آبی، بر اساس شواهد مستقل و قابل راستی‌آزمایی.
ضعف مدیریتی، مطالعات ناکافی یا اجرای پروژه‌های غیرضروری، به‌خودی‌خود اثبات نمی‌کند که هدف اصلی آنها پشتیبانی از تأسیسات موشکی بوده است.

وقتی زیرساخت‌های حیاتی وارد ادبیات نظامی می‌شوند

اهمیت این گزارش فقط به اعتبار یک فرضیه رسانه‌ای محدود نیست. مسئله مهم‌تر، پیامدهای احتمالی تبدیل زیرساخت‌های حیاتی به موضوعی در چارچوب محاسبات نظامی است. سدها، تأسیسات انتقال آب، نیروگاه‌ها و شبکه‌های توزیع برق، بخشی از شریان‌های اصلی زندگی غیرنظامیان هستند. آسیب جدی به این زیرساخت‌ها می‌تواند پیامدهایی فراتر از محدوده یک تأسیسات داشته باشد؛ از اختلال در تأمین آب شرب و کشاورزی گرفته تا تهدید امنیت غذایی، سلامت عمومی، محیط‌زیست و فعالیت‌های اقتصادی. در چنین شرایطی، طرح ادعاهایی درباره کاربری دوگانه این تأسیسات، بدون تفکیک دقیق میان واقعیت و احتمال، می‌تواند به شکل‌گیری فضایی منجر شود که در آن زیرساخت‌های غیرنظامی به‌تدریج در چارچوب اهداف امنیتی و نظامی بازتعریف شوند. نگرانی اصلی این است که یک فرضیه اثبات‌نشده، در فضای سیاسی و رسانه‌ای به‌عنوان مبنایی برای مشروعیت‌بخشی به تهدید یا حمله علیه تأسیسات غیرنظامی مورد استفاده قرار گیرد. البته نمی‌توان صرف انتشار یک گزارش را به‌معنای اثبات قصد نویسندگان برای فراهم کردن زمینه حمله دانست. اما رسانه‌ای که درباره زیرساخت‌های حیاتی یک کشور ادعای ارتباط با تأسیسات نظامی مطرح می‌کند، باید نسبت به کیفیت شواهد و پیامدهای احتمالی انتشار آن نیز مسئولانه عمل کند.

واکنش قالیباف؛ هشدار درباره تعمیم منطق «کاربری دوگانه»

در ادامه انتشار گزارش نیویورک‌تایمز، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، نیز به ادعای مطرح‌شده درباره سدهای ایران واکنش نشان داد. قالیباف روز سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۵ در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس، با اشاره به اظهارات کارشناسان مورد استناد نیویورک‌تایمز، نسبت به آنچه زمینه‌سازی برای حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی توصیف کرد، هشدار داد.

او نوشت:
«در حالی که برای دور بعدی حملات به زیرساخت‌های غیرنظامی آماده می‌شوند، کارشناسان آنها به نیویورک‌تایمز می‌گویند سدهای نزدیک به پایگاه‌های موشکی ایران کاربری دوگانه دارند.» قالیباف در ادامه، با اشاره به منطق مطرح‌شده درباره نزدیکی زیرساخت‌های آبی به تأسیسات نظامی، این معیار را به زیرساخت‌های مستقر در نزدیکی پایگاه‌های آمریکا و اسرائیل تعمیم داد و نوشت: «بسیار خب. قانون جدید این است: هر سد، بندر یا نیروگاهی که در نزدیکی یک پایگاه آمریکایی یا اسرائیلی قرار داشته باشد، دارای کاربری دوگانه است. ما منطق شما را به‌طور یکسان و بدون تبعیض به کار خواهیم بست.» این واکنش، در واقع پرسشی اساسی درباره معیارهای ارزیابی زیرساخت‌های غیرنظامی مطرح می‌کند: اگر صرف نزدیکی جغرافیایی به یک مرکز نظامی برای نسبت دادن کاربری دوگانه به یک تأسیسات کافی باشد، آیا همین معیار را می‌توان درباره زیرساخت‌های کشورهای دیگر نیز به کار گرفت؟

البته اظهارات سیاسی، به‌تنهایی جایگزین بررسی حقوقی و فنی هر مورد نیست؛ اما هشدار قالیباف نشان می‌دهد که چنین ادبیاتی می‌تواند به تشدید مناقشه درباره امنیت زیرساخت‌های غیرنظامی در منطقه منجر شود.

سدها در حقوق بشردوستانه چه جایگاهی دارند؟

در حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی از اصول بنیادین مخاصمات مسلحانه است. صرف قرار گرفتن یک تأسیسات غیرنظامی در نزدیکی یک مرکز نظامی، آن را به هدف نظامی تبدیل نمی‌کند. برای آنکه یک تأسیسات از منظر حقوق مخاصمات مسلحانه هدف نظامی محسوب شود، باید معیارهای حقوقی مربوط به سهم مؤثر آن در اقدام نظامی و مزیت نظامی مشخص و مستقیم حاصل از حمله، با توجه به شرایط حاکم بر آن، بررسی شود. همچنین ماده ۵۶ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو، برای سدها، بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق در شرایط مشخص حمایت ویژه‌ای در نظر گرفته است؛ زیرا حمله به این تأسیسات ممکن است موجب آزاد شدن نیروهای خطرناک و وارد آمدن خسارات گسترده به غیرنظامیان شود. دامنه و شرایط اجرای این حمایت‌ها به وضعیت حقوقی طرف‌های درگیر و قواعد قابل اعمال بستگی دارد. با این حال، اصل مهم روشن است: ارزیابی یک زیرساخت بر اساس کاربری واقعی و معیارهای حقوقی انجام می‌شود، نه صرفاً فاصله آن با یک پایگاه نظامی. بنابراین، نسبت دادن کاربری دوگانه به سدها و تأسیسات آبی، موضوعی نیست که بتوان آن را با یک نقشه یا مقایسه جغرافیایی تعیین تکلیف کرد.

مسئولیت رسانه در برابر امنیت زیرساخت‌های حیاتی

گزارش نیویورک‌تایمز پرسش‌هایی درباره سیاست‌های زیرساختی ایران مطرح کرده است؛ پرسش‌هایی که ارزش بررسی دارند. آیا همه پروژه‌های

سدسازی کشور توجیه فنی و اقتصادی داشته‌اند؟ آیا مطالعات زیست‌محیطی به‌درستی انجام شده‌اند؟ آیا در برخی پروژه‌ها ملاحظات غیرنظامی تنها معیار تصمیم‌گیری بوده‌اند؟ پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند انتشار اسناد، داده‌های فنی، ارزیابی‌های مستقل و امکان بررسی عمومی است. اما در سوی دیگر، نسبت دادن کارکرد نظامی به زیرساخت‌های حیاتی بدون شواهد روشن، می‌تواند پیامدهایی فراتر از یک مناقشه رسانه‌ای داشته باشد. چنین ادعاهایی ممکن است به عادی‌سازی نگاه نظامی به تأسیساتی منجر شود که زندگی روزمره میلیون‌ها نفر به عملکرد آنها وابسته است. نقد سیاست‌های آبی ایران نباید به معنای پذیرش ادعاهای اثبات‌نشده درباره اهداف نظامی سدها باشد. همان‌طور که دفاع از امنیت زیرساخت‌ها نیز نباید مانع بررسی علمی و شفاف عملکرد دستگاه‌های مسئول در حوزه آب شود.

آب، برق و امنیت غذایی مردم نباید قربانی فرضیه‌های اثبات‌نشده یا محاسبات تبلیغاتی و نظامی شوند. هیچ شباهتی روی نقشه جایگزین سند نمی‌شود و هیچ ضعف مدیریتی در حوزه آب، مجوزی برای تهدید امنیت زیرساخت‌های حیاتی و زندگی مردم نیست.

منابع گزارش

۱. روزنامه نیویورک‌تایمز، گزارش «War May Answer Longtime Riddle of Iranian Dams Built for No Clear Reason»، نوشته سانام ماهوزی و اریکا سولومون، ۱۶ نوامبر ۲۰۲۶.

۲. ایران اینترنشنال، گزارش «Iran’s dams may have been built to support missile bases»، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶.

۳. بازتاب اظهارات محمدباقر قالیباف درباره کاربری دوگانه زیرساخت‌ها در رسانه‌های خبری، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۶.

۴. پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو، ماده ۵۶، درباره حمایت از سدها، بندها و نیروگاه‌های هسته‌ای تولید برق.